

بِسْمِ اللَّهِ الْأَمْعِ الْأَقْدَسِ الْأَعَزِّ الْأَبْهَى

روحی و نفسی لک الفداء یا روحا بما فاحت نفحة الروح عن جهة قریک و تَضَوَّعت رائحة قمیص وصلک و اهتز بها هذا العظم الریم کتاب جلیل آن طلعة جمیل که باکلیل کبریا و عظمت و تجلیل لاسم ربنا البهیّ الأبھی مزین بود چون افسر روحانی زینت بخش سر این فانی آمد و نفحات قمیص تقدیس از کلمات مقدسه از اشارات عرضیه و دلالات انفس موهومه استنشاق شد العظمة لله ثم القدرة والقوة والسلطنة لله که باشارة من اصبح قدرته خرق فرمود حجابات مجلله باسما را و لو اراد و اشار اشاره اخرى عن انملة المقدسة الأخرى لارتفع ملکوت الأسماء بأسرها و لاهوت الذوات بحقیقتها اذاً ظهرت كلمة البقاء لله المقدر البهیّ الأبھی و بعد بهمین اصبح منبع خلق فرمود خلق بدیع را که اگر جمیع ابداع و اختراع هیاکل اسماء شوند و بخوانند حرفی از احرف کتاب انشاء بغير عما نزل من قلم الله الأبھی تکلم او تفوه نمایند جمیع را معدوم بحت و مفقود صرف شمرند تعالی تعالی قدرة ربنا المهیمن العزیز القدير لله الحمد که آن جناب تلقاء منظر اکبر از انفس قویّه مستقیمه ظاهرند و بطراز خلق آخر مزین نسال الله بأن يظهر من اثر استقامتک انفساً قویّه و ارجلاً مستقیمه لیستقیمن علی الأمر و ینصرن الرّحمن بسیوف البیان انه علی کلّ شیء قدیر

و اینکه از قبل اذن لقا خواسته بودند این عبد شهادت میدهد که در جمیع احیان حکم قرب و لقا در باره آن جناب ثابتست حال ایامیست که کل باید جمیع امور را در خدمت امر مصروف داریم و بتبلیغ مشغول شویم الحمد لله که حق سبحانه آن جناب را مؤید و موفق فرموده و بخدمات امر مشغول بوده و هستند نفسی لهمتک الفداء

و در باره احبای ارض س و م که از قبل و بعد مرقوم فرموده اند ذکر کل تلقاء عرش مذکور و اظهار عنایات لانهای مخصوص کل عن مشرقها ظاهر جمیع تحت لحاظ مرحمت و نظر عنایت بوده و هستند و الواح الله هم از سماء مشیت نازل و انشاءالله بتدریج ارسال میشود و کل از بحر فیض لایزال مرزوق میگردد عرض خلوص و فنا و تکبیر این عبد فانی را خدمت کل برسانید روحی لهم الفداء بما اقبلوا و عرفوا ثم آمنوا و ايقنوا بالله نسال الله بأن يستقیموا علی حبّ الله و امره و یكونن من الثابتین در لوح آن جناب جمعاً بلسان قدم ذکر شده اند تکبیر حق را بجمیع برسانید عرایضی که بهمراه جناب آقا شیخعلی علیه بهاء الله بوده سببی واقع شده و در مدینه کبیره کل را محو نموده بودند و فی الحقیقه بحکمت رفتار کرده اند آن جناب تفصیل را باهل خاء مرقوم دارند دو لوح مخصوص جناب آقا سیّد محمد رضا و آقا سیّد ابوطالب یک سنه متجاوز بود که نازل شده بود و نرسید حال ارسال شد برسانند عدد واحد الواح منیع نازل بعضی من غیر اسم ارسال شد آن جناب ملاحظه فرمائید و باقتضا برسانید و جمیع را بظهورات عنایات نامتناهی الهی و اشراقات شمس مرحمت ابهائی مستبشر و مسرور و منور فرمائید اغصان سدره مبارکه الهیه و افانها و اثمارها و اوراقها کل بذکر و ثنا و تکبیر ابداع ارفع آن جناب را ذاکرند و دیگر عرض خلوص و وداد و تکبیر این عبد فانی را خدمت جناب والد و والده علیهما بهاء ربهما برسانید و هم چنین جمیع متعلّقین و منسوبین و کلّ من یتشرّف بحضورک کل را بعرض خلوص و تکبیر لایحصى مصدّع انشاءالله کل از تأثیرات انفس قدسیّه و نفحات روحیه آنحضرت بر صراط امر ثابت و مستقیم باشند بشأنی که دلالات افکیّه و اشارات شرکیّه انفس معرضه ایشان را منع نماید و محتجب نسازد تالله یا محبوبی انّ الأمر عظیم و اعظم فوق کلّ عظیم بل اعظم من ذلك وربک العلیّ العظیم

و دیگر حسب الأمر آن جناب باید در این سفر بسیار بحکمت رفتار فرمائید و تأکید بلیغ در این امر فرموده اند انشاءالله معمول داشته و خواهند داشت و دیگر از امور وارده آنکه نفسین و اختهما در ارض سرّ باعمالی ظاهر شدند که مثل آن والله الذی لا اله الا هو در ابداع شنیده نشده و اذا انهاهم الله عمّا عملوا اعرضوا و اعترضوا الی ان کفروا بالله مالک یوم الدین در جمیع ایام و لیالی بما نهوا عنه مشغول قد استهزؤوا برسول الله و سفرائه و ظهر منهم ما ناح به سگان الفردوس و الذین طافوا

حول عرش ربك العزيز الكريم ابدأ متدين بدینی نبوده و نیستند ولكن در ارض سرّ سرّاً باعراض و اعتراض مشغول بودند الى ان رأى النَّصر قهر ربّه تاب حين الموت و غفر الله انّ ربك لهو الغفور الرحيم و بعد ارتفائه حضر رضا قلبی و تاب انّ ربك لهو التّوّاب ذو الفضل المبين اگرچه نفاق باطنش معلوم بود ولكن نظر بسبقت رحمت و احاطه فضل ستر میفرمودند تا آنکه باین سجن وارد در اغوای بعضی جهراً مشغول شد چه که حقّ را مظلوم و مسجون یافت شرب الخمر جهراً و اخته تشرب و تحضر لدى الوجه كذلك ورد على المحبوب قد ذكرت لحضرتك لتكون من المطّلعين و این از احسن اعمالشان بوده نعوذ بالله من اعمالهما الأخرى و چون طغیان و بغی و كفران بمنتهی رسید اطردهما الله و تركهما فى عذاب الجحيم و ذهباً و قالاً ما لا قاله الأولون افّ لهما و لوفائهما آنچه آیات الهیه که نزدشان بود بعضی هم مجعولاً بآن ملحق نموده باهل این بلد داده‌اند و فتنه بزرگی برپا نموده‌اند ولكن ضلّ سعيهم فى الحيوۃ الباطلة انه لهو الحاكم على ما يريد جميع اعمال شنيعة خود را بحقّ نسبت داده‌اند مشاهده فرمائید مع رحمت كبرى و فضل محیط الهی چگونه طغیان نموده‌اند که آنچه طلب عفو نمودند مقبول نشد لذا خائباً خاسراً راجع و حال بشيطان متحد شده‌اند لعنة الله عليهم مع آنکه آن نفوس از ابليس و اتباعش چه مکاتیب در ارض سرّ نوشته و باطراف فرستاده‌اند باری ای محبوب من بیغضی ظاهر شده‌اند که شبه آن ظاهر نه بجمیع انبیا و مرسلین معاندند نسأل الله بأن يأخذهم بعدله انه لهو العزيز القدير

و دیگر آنکه مدتی بود که از سماء مشیت آیات نازل نه و باب لقا مسدود و طلعة مقصود وحده در بیت جالس چند روزیست سحاب عنایت مرتفع و امطار رحمت نازل انشاءالله از بعد هم الواح منیعه از شطر الهیه ارسال خواهد شد لتقرّ بها عينك و عيون العارفين و الحمد لله رب العالمين و دیگر در باب نفس مطروده بجناب آقا میرزا حسین علیه بهاء الله هم مجملی نوشته شده ملاحظه خواهند فرمود و دیگر از قبل این عبد تکبیر منیع بجناب آقا میرزا سید حسین من اهل تاء و فاء برسانید و تفصیل بایشان بنویسید که مطلع باشند و الروح و العزّ و القدس و البهاء على حضرتك و من معكم من اهل البهاء در اکثری از الواح منزله پاریسه و عربیه تلویحاً و تصریحاً از قلم مالک ایجاد نهی عباد از توجه باین شطر نازل و بسیار تأکید و تهدید و تحذیر در حکم محکم من لدن عزیز قدیر شده آن جناب باید مخصوصاً نهی نمایند و نگذارند احدی توجه باین سمت نماید چه که ضرر کلّی در او مشهود در لوحی از الواح منیعه پاریسه نازل قوله جلّ اجلاله احبّای الهی را از توجه باین شطر منع نما بگو ای دوستان ضرر ذهاب و ایاب باصل شجره وارد ایاکم ان تتجاوزوا عما حدّد فی الكتاب انه لهو العليم الخبير و امثال این فقره مبارکه و اشدّ و اعظم از این در مواضع متعدده نازل ولكن بهمین یک فقره اکتفا رفت انشاءالله جمیع باید از حقّ جلّ شأنه توفیق طلب نمائیم که بامرش عامل شویم و در سبیل رضایش سالک گردیم انه ما يحکم لعباده شیء الا و هو خیر لهم عن ملکوت السموات و الارضين و الحمد لله رب العالمين دو عریضه در پاکت است این عبد معروض داشته باسمین علیهما بهاء الله برسانید